
امام خمینی
و عزاداری
امام حسین
علیه السلام
علی دوانی

بسم الله الرحمن الرحیم

امام خمینی و عزاداری امام حسین علیه السلام

نویسنده:

علی دوانی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

امام خمینی و عزاداری امام حسین (ع)

مشخصات کتاب

نویسنده : علی دوانی

ناشر : علی دوانی

مقدمه

در سال ۱۳۲۸ شمسی که برای ادامه تحصیل به شهر مقدس قم آمدم، و آیت الله العظمی امام خمینی - رضوان الله علیه - را در مجالس عزاداری می دیدم، به تعبیر امروز، «فرهنگ عاشورا» در نظرم مجسم می شد. امام در بعضی از مجالس سوگواری ائمه اطهار - علیهم السلام - که در مسجد بالاسر حضرت معصومه - سلام الله علیها - یا منزل مرحوم آیت الله العظمی بروجردی برگزار می شد، چنان باوقار و آرام می نشستند و گوش به سخنان واعظ یا روضه خوان داشتند که نظر هر بیننده ای را به خود جلب می کرد.امام در آن زمان، استاد سرشناس حوزه و مدرس علوم عقلی بودند. قامت رسا و قیافه جالب و آرامش خاص ایشان طوری بود که چه در راه رفتن و چه در نشستن در مجالس نظر بینندگان را جلب می کرد، و کسی را در میان جمع علمای حوزه مانند ایشان نمی دیدیم.هنگامی که واعظ به «گریز» می رسید، یا روضه خوان شروع به خواندن روضه می کرد، حاج آقا روح الله خمینی نخستین کسی بود که دستمال سفید و تمیز خود را از جیب در می آورد و به صورت می گرفت و گریه را سر می داد. اگر تکیه بر دیوار داده بودند، بدون حرکت و تکانی می گریستند، و چنانچه خم می شدند، می دیدی که چطور می لرزند و اشک می ریزند، و همین که دستمال از صورت برمی گرفتند، صورتی پراشک و چشمانی اشک ریخته را می دیدی که همان نیز دیگران را به گریستن و اشک ریختن در عزای شهیدان کربلا یا ائمه اطهار (ع) ترغیب می کرد.اصولا نشستن امام در مجالس عزاداری و گوش

دادن به وعظ واعظ یا روضه روضه خوان حال و هوای خاصی داشت؛ آرام، ساکت، موثر و تمام گوش و چشم بودند؛ گوش به مطلب و چشم به گوینده داشتند. این طرز نشستن در مجالس سوگواری و آمادگی برای گریستن در عزای امام حسین – علیه السلام – و شهیدان کربلا را در کمتر عالمی دیده ام: «و ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء». حتی در یک مورد هم دیده نشد که امام در پای منبر و هنگام سخنرانی واعظ – هر که بود – با ذکر مصیبت ذاکر، با اشخاص پهلو دست خودشان صحبت کنند؛ زیرا بی احترامی به منبر و منبری بود، بعکس آنچه میان بسیاری از علما مرسوم است، بخصوص علمای نجف که آن را شأنی برای خود می دانستند.امام به طرز نشستن در مجالس سوگواری اهل بیت و گوش دادن به وعظ واعظ یا روضه روضه خوان، و گریستن به هنگام شنیدن مصایب شهدای کربلا به همه نشان دادند که «فرهنگ عاشورا» را باید پاس داشت و حریم آن را نگاه داشت.

نظرات انحرافی نسبت به فرهنگ عاشورا

در ایام انقلاب و پس از واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و بخصوص بعد از تبعید امام خمینی به ترکیه، و سالها پس از آن که در نجف اشرف اقامت اجباری داشتند، گروههای غیر اسلامی در صف انقلابیون مسلمان رخنه کرده بودند، و به عنوان اینکه همگی در مبارزه و ضدیت با رژیم شاه وحدت نظر داریم و مشترک هستیم، کم کم صحبت از این بود که: باید به فکر «خلق» بود، و نباید خیلی پایبند روضه و گریه و زاری باشیم. گریه چه دردی را درمان می کند، و روضه با نگاهداری خشم نسبت

به دستگاه جبار منافات دارد!».گاهی جوانهایی - حتی مذهبی با قیافه های مذهبی - پای منبرها حضور می یافتند و به وعاظ و سخنگویان دینی رهنمود می دادند که باید اینطور صحبت بکنید، تا جوانها پای منبرتان حاضر شوند، کمتر روضه بخوانید و سعی نداشته باشید که مردم را بگریانید، بگذارید عقده شان خالی نشود و دست از مبارزه بر ندارند!با کمال تأسف، بسیاری از اهل منبر هم فریب آنها را می خوردند و تصور می کردند روضه و گریستن در سوگ شهدای کربلا با مبارزه منافات دارد، و به طور ناخودآگاه در دام آن نااهلان افتاده بودند، و همانا نیز کار وعاظ و روضه خوانان دلسوز را مشکل می کرد.از یک طرف رسم بود و مردم انتظار داشتند مخصوصا در ماه محرم و صفر و شبها و روزهای وفیات ائمه اطهار (ع) که منبری ها در پایان منبر ذکر مصیبت کنند و روضه بخوانند، و از طرفی جوانان انقلابی سعی داشتند گوش به روضه ندهند و هنگام ذکر مصیبت گریه نکنند. سخنرانان دینی غیر روحانی هم که در گوشه و کنار در مساجد یا مجالس سخنرانی می کردند، این آتش را دامن می زدند، و خود آنها و فریب خوردگانشان روضه خوانی و گریه کردن را استهزا می کردند.مشکل کار بیشتر در این بود که بعضی از منبری های انقلابی یا انقلابی نما طوری وانمود می کردند که گریه کردن و روضه خوانی مورد نظر امام نیست و با هدف ایشان منافات دارد. این مطلب هم طوری جا افتاده بود که هر چه ما می گفتیم، اینطور نیست، امام خمینی را ما دیده ایم، ایشان علاقه خاصی به روضه دارند، و در مجالس بیش از دیگران گریه می کنند، ولی

حرف ما خریدار نداشت، و کار امثال ما را حرکت انحرافی در جهت پیش بردن انقلاب می دانستند!در این باره گاهی از امام استفتا می شد، امام هم طوری جواب می دادند که هم جوانان منحرف نشوند، و هم بی احترامی به مجالس عزاداری امام حسین - علیه السلام - نشود. ولی اشخاص مرموزی تردید در دست خط امام می کردند، و اذهان را مشوب می ساختند.محرم سال ۱۳۵۴ در شهر ایلام دعوت بودم. یکی دو بار جوانان باایمانی از کرمانشاه به آنجا می آمدند و می گفتند یک روحانی سید آمده و در کرمانشاه منبر می رود و سعی می کند که در منبر روضه نخواند. نوار یک سخنرانی او را هم آورده بودند و برای من گذاشتند. او می گفت، از این همه گریه چه نتیجه ای گرفتیم، گریه یعنی چه، و از این قبیل سخنان.

اوج ضدیت با فرهنگ عاشورا

به طوری که در چاپ دوم «خاطرات من از استاد شهیدی مطهری» در یک خاطره تحت عنوان «برخوردهای تند جوانان» نوشته ام، این جوانان تندرو، به استاد شهید مطهری هم اعتراض داشتند که چرا روضه می خواند و خود هم گریه می کند! چون من به این قبیل جوانهای تندرو گوش نمی دادم، شبی در دهه دوم محرم، متصدی مسجد جامع نارمک - که آنجا منبر می رفتم - گفت: آقای دوانی! با این جوانها مدارا کنید، اینها دارند خطرناک می شوند. چند شب پیش، شب عاشورا، آقای مطهری اینجا منبر بود. روضه حضرت علی اصغر خواند. هم خودش به شدت گریه کرد، و هم اهل مجلس را گریانید. [۱] بعد از منبر، همین جوانها جمع شدند و با تشدد و بی ادبی خاص گفتند: «آقای مطهری! گریه چه بود که کردید، و چه اصراری دارید که

مـا هم گریه کنیم؟ اگر امام حسـین برای مبارزه با ظلم و ظالم قیام کرده و کشـته شـده که در راه هـدف بوده و کشـته شـدنش گریه نـدارد، و اگر گیر افتـاد و کشـته شـده، که معلوم می شود درست نقشه نکشـیده بود و ضـعیف بوده و باز هم نبایـد گریه کرد!».آری کار به این جا کشـیده بود که جوانها، شخصـی مانند استاد شهید مطهری را نصیحت می کردند، یا اعتراض داشتند که چرا وقـایع کربلا را با گریه کردن و گریانیـدن مردم بیان می کنـد. حتی این معنی در شـهریماننـد اصـفهان هم اعمال می شد. به یاد دارم مرحوم آیت الله شـمس آبادی به من سفارش می کرد و می گفت: آقای دوانی! سر جدم در منبر روضه بخوان که این روزها اصـفهان وضع خاصـی پیدا کرده، و اگر روضه نخوانی پیش خدا مسـئولی.این عده از جوانان تندرو و کم مایه و پرمـدعا صـغری و کبری می چیدند، و نتیجه می گرفتند که: «ما طرفدار آیت الله خمینی هستیم و با دسـتگاه جبار شاه سـر ستیز داریم، مبارزه با گریه منافات دارد، تاریـخ گفتن و گریه کردن حالت انحرافی دارد، و باعث می شود که مبارزه از مسـیری که دارد منحرف گردد».بسـیاری از علمـای واقع بین و دلسوز در فکر چاره اندیشـی بودنـد، ولی از سـعی خود نتیجه نمی گرفتنـد. منبری های معتدل دل خون بودند که عاقبت این کار به کجا می کشد. می شنیدیم که پیوسته اینگونه وقایع در نجف اشرف به اطلاع امام می رسـد، و ایشان را در جریان امر قرار می دهند، و اعلان خطر می کنند، و امام هم - چنانکه گفتیم - ناچار بودند تمام جهات را در نظر بگیرند، و از

این رو وضع خاصی به وجود آمده بود.

نمونه اعلای توجه امام خمینی به فرهنگ عاشورا

آقـای حـاج سـید محمـد کوثری ذاکر معروف اهل بیت در قم، از سالها پیش روضه خان مخصوص امام بود؛ هم خودش و هم مرحوم پدرش آقا سید علی اکبر کوثری. پدر و پسر که هر دو از ذاکرین قم بودند، آهنگی پرسوز داشتند و روضه با حالی می خواندنـد. قبلا پدر روضه خوان خاص امام بود، و بعد هم پسـر، یعنی آقای سـید محمد کوثری این افتخار را داشت که تا آخر حیـات امـام، حتی در تهران هم از این توفیق بهره منـد بود. هر سـاله در ایام عاشورا همه مردم از تلویزیون می دیدنـد که آقای کوثری در حسینیه جماران در مقابل امام ایستاده و روضه می خواند، و امام چگونه دستمال سفید به دست گریه می کنند.آقای کوثری برای اینجـانب نقل می کرد - و لابـد برای بسـیاری دیگر هم نقل کرده است - می گفت: «وقتی امام در نجف اشـرف بودند، من سـفری برای زیارت به کربلا رفتم. در کربلا عده ای از فضلای شاگردان امام در قم با هم آشنایی داشتیم مرا دیدند و گفتنـد، آقای کوثری، به داد امام برس! گفتم موضوع چیست؟ گفتنـد: می دانی که آقای حاج آقا مصـطفی فرزنـد دانشـمند امام به طرز مرموزی جان داده است. کسـی گریه امام را در مرگ او ندیده است. یکی دو بار که طلاب در منزل امام یا در سر تربت حـاج آقـا مصـطفی روضه ایشان را خوانـده انـد، نه تنها امام گریه نکرده، بلکه طلاب را هم منع کرده و گفته انـد بروید مشغول کارتان شوید. و به خانم، همسرشان نیز فقط گفته اند: «مصطفی از الطاف خفیه الهی بود. خدا او را

از ما گرفت». می گفت: «آنها گفتند، شـما زودتر به نجف بروید و خدمت امام برسید و طبق معمول که اجازه می گرفتید و در حضورشان روضه می خواندید، روضه ای بخوانید و اسم حاج آقا مصـطفی را ببرید، بلکه بتوانید امام را در مصـیبت فرزندشان بگریانیـد که عقـده ایشـان خـالی شود، و خـدای نکرده صـدمه ای نبیننـد. می گفتنـد، مرگ حاج آقا مصـطفی حوزه نجف را عزادار کرده است، لابـد ایران و قم نیز همینطور است، ولی خود امام را کسـی ندیـده که متأثر باشد و گریه کند».آقای کوثری افزود: «وارد نجف شـدم و پس از زیارت، خـدمت امام رسـیدم، و بعد از تسـلیت و مختصـر احوالپرسـی عرض کردم اجازه می دهیـد طبـق معمـولم در حضورتـان روضه ای بخـوانم؟ فرمودنـد: بفرماییـد!».پس از مقـدمه کوتـاهی، هرچه راجع به حـاج آقا مصـطفی می دانسـتم که چقـدر مورد علاقه امام بود و شخصـیتی ممتاز داشت، بیان کردم، و با تکیه به صوت گفتم، حضـرت آیت الله! آجرک الله در مرگ فرزند عزیزی همچون حاج آقا مصطفی، چه فرزندی، فرزند دانشمند لایقی...در تمام این مدت، امام بـدون تغییر حال گوش می دادنـد و کوچک ترین اثری برای گریسـتن در ایشان پیـدا نشد. هر چه به این در و آن در زدم بلکه امام در مرگ فرزنـد اشـکی بریزنـد نتیجه نداشت. ناچار گریز زدم به کربلا و آمدن امام حسـین – علیه السـلام – به بالین حضـرت علی اکبر. همین که گفتم، قربان غریبیت یا اباعبـدالله! وقتی آمـدی به بالین فرزند رشـیدت علی اکبر، امام دسـتمال از جیب در آوردند و به قدری گریستند که تا آن موقع کمتر دیده بودم. هنگامه ای شد، و از این طرف به فکر افتادم که

نکنـد حـال امـام دگرگـون شود، و من از کـارم پشـیمان شوم. ناچـار روضه را طول نـدادم و ختم کردم. گریه امـام را در ذکر مصیبت امام حسین - علیه السلام - و شهدای کربلا دیده بودم، اما نه آن طور که آن روز دیدم.

نمونه دیگر

یکی از نزدیکـان امام خمینی که در پاریس در خـدمت امام بوده و تمام لحظه های شـبانه روز معظم له را زیر نظر داشـته، نقل می کرد که وقتی در پـاریس بودیم من مراقب بودم، هر بار که اخبار تلفنی را به امام می دادنـد، و می گفتنـد در تهران و فلان شهر چه شده، مردم را کشته اند، به فلان جا حمله کرده اند، کجا را گرفته اند، عده ای را بازداشت کرده اند، مسجد کرمان را سوزانده اند به قم حمله کرده اند، و طلاب را دستگیر کرده و به زندان انداخته، یا انقلابیون را در زندان به سختی شکنجه داده انـد، و از این قبیل اخبار وحشـتناک، هر بار حاضـران به سـختی می گریسـتند، ولی امام فقط گوش می دادنـد و چنان که شأن یک رهبر انقلابی است، صبر انقلابی می نمودند. اما همین که یکی از حاضـران به مناسـبت ماه محرم شـروع به خواندن روضه می کرد، امام آنا چنان منقلب می شدند و شـروع به گریسـتن می نمودند که می دیدیم اشک مهلت نمی دهد. از هر دو چشم امـام چنـان اشـک می ریخت که پهنای صورتشان را می گرفت. و در یک کلام به پهنای صورتشان اشک می ریختنـد.راستی این چه حـالتی بود که در امـام می دیـدیم و می دیدنـد؟ این حـالت مـا را به یـاد جـد بزرگوارش حضـرت امیرالمؤمنین- علیه السـلام- می انـدازد که شاعر می گوید:هو البکاء فی المحراب لیلا هو الضـحاک اذا اشـتد الظراب یعنی: علی - علیه السـلام - دارای دو

جنبه متضاد بود: شبانه در محراب صدای گریه اش بلند است، ولی در میدان جنگ لبخند بر لب داشت.

توسل به امام فقید برای احیای فرهنگ عاشورا

پس از بازگشت امام خمینی به وطن و تعیین دولت موقت، چنانکه همه می دانیم، امام از تهران به قم رفتند و ماندگار شدند، ولی چون دولت موقت نتوانست انجام وظیفه کند، در حوادث کردستان امام خود به تهران بازگشتند و تا پایان عمر هم در تهران بودند.در ایامی که امام در قم اقامت داشتند، دو سه هفته مانده به ماه رمضان ۱۳۹۹ خطیب نامی عصر، جناب آقای فلسفی تلفن کردند و فرمودند، ماه رمضان نزدیک می شود، من و عده ای از وعاظ مشهور تهران عازم قم هستیم که خدمت امام برسیم، و از ایشان رهنمودی برای ماه مبارك رمضان بگیریم، چون کار چنان حاد است که فقط با اعلام رسمی امام می توان منبر را به صورت اول برگردانید. گفتم، من که منبری رسمی نیستم. فرمودند، باید بیایی، چند اتومبیل جلو خانه ما آماده است، فردا فلان ساعت حرکت می کنیم، حتما باید بیایی. به خانه جناب آقای فلسفی رفتیم و عازم قم شدیم. به امام اطلاع دادند که آقای فلسفی با وعاظ مشهور تهران آمده اند که برای ماه رمضان رهنمود بگیرند.امام تشریف آوردند و در جمع ما نشستند. جناب آقای فلسفی در سخنان کوتاهی گفتند: آقا، اطلاع دارید که در سنوات اخیر منبر و مسئله گریستن و عزاداری امام حسین چه وضعی پیدا کرده است. به مردم القا کرده اند که عزاداری یعنی چه، و روضه و گریه کردن چه چیزی را حل می کند، و از این قبیل مطالب. اهل منبر سخت در فشارند، مردم همه کم و بیش بی تفاوت

شده اند. آمده ایم از حضرتعالی رهنمود بگیریم. واقعا تکلیف ما چیست. در منبر بخصوص ماه مبارک رمضان و محرم و صفر اکتفا کنیم به سخنرانی خشک، یا چنان که سابقه داشته، ذکر مصیبت هم بکنیم و روضه بخوانیم؟ (قریب به این مضمون).

پاسخ قاطع امام خمینی

امام فقید در پاسخ جناب آقای فلسفی مطالب بسیار جالبی بیان داشتند که همان نیز نقطه عطفی در احیای فرهنگ عاشورا بود. اگر آن بیانات قاطع و صریح امام نبود، وضع حاکم بر افکار جوانان آن روز رفته رفته «فرهنگ عاشورا» را به دست فراموشی می سپرد و معلوم نبود کار به کجا بکشد.درست به یاد ندارم که رادیو و تلویزیون و جراید چه مقدار از بیانات امام را منعکس کردند، ولی هر چه بود، قضیه در اندک زمانی در همه جا انعکاس یافت و به اصطلاح سد شکسته شد و راه را برای اشاعه فرهنگ عاشورا گشود.جالب است که اوج انقلاب اسلامی ملت ایران به رهبری امام خمینی از بیانات آن حضرت در روز عاشورای سال ۱۳۸۳ و ۱۲ محرم آن سال، مطابق ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ آغاز شد و به ثمر رسیدن آن هم با راهپیماییهای میلیونها نفری مردم تهران و شهرستانها در روزهای تاسوعا و عاشورا و اربعین سال ۱۳۹۹ قمری بود، که به دنبال آن شاه از کشور خارج شد و امام فقید در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ پس از چهارده سال دوری از وطن به کشور بازگشتند و انقلاب اسلامی را در ۲۲ بهمن همان سال به ثمر رساندند، و در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ جمهوری اسلامی ایران را تاسیس نمودند.

روضه و گریه، اسلام را حفظ کرده است

در آن جلسه امام خمینی – قدس سره – در پاسخ آقای فلسفی سر آمد وعاظ و خطبای ایران، ضمن بیانات مفصلی تصریح کردند که اگر روضه و گریه و نوحه سرایی و عزاداری امام حسین (ع) و شهدای کربلا نبود، اسلام با اعمال بنی امیه از بین رفته بود. کربلا و فرهنگ عاشورا،

اسلام را حفظ کرد، و باید این مکتب به همان سبک سنتی آن حفظ شود. سرآغاز و قسمتی از بیانات امام بدین گونه است: بسم الله الرحمن الرحیمـن چند جمله راجع به تکالیف کلی روحانیون و اهل محراب و منبر باید عرض بکنم، و بعد از مشکلاتی که هست. آقایان روحانیون و خصوص اهل منبر، خطبا، اینها سخنگوی اسلام هستند. اگر حکومتی سخنگو می خواهد، سخنگوی اسلام، آقایان خطبا هستند... سیدالشهدا به داد اسلام رسید؛ سیدالشهدا اسلام را نجات داد. روضه سیدالشهدا برای حفظ مکتب سیدالشهداست. کسانی که می گویند روضه سیدالشهدا را نخوانید، اصلا نمی فهمند مکتب سیدالشهدا چه بوده، و نمی دانند یعنی چه. نمی دانند این گریه ها و این روضه ها این مکتب را حفظ کرده.الآن هزار و چهار صد سال است که با این منبرها، با این روضه ها و با این مصیبتها و با این سینه زنیها، ما را حفظ کرده اند، و تا حالا اسلام را آورده اند.این عده از جوانهایی (که این طور نیست که سوء نیت داشته باشند) خیال می کنند که ما باید حرف روز بزنیم، حرف سیدالشهدا حرف روز است، همیشه حرف روز است. اصلا حرف روز را سیدالشهدا آورده است، و به دست ما داده. سیدالشهدا و مکتبش را این گریه ها و این مصیبتها و داد و قالها و این دستجات حفظ کرده است.اگر فقط - آدم مقدسی بود و توی اتاق خانه می نشست و هی برای خودش زیارت عاشورا می خواند و تسبیح می گرداند، چیزی باقی نمی ماند. هر مکتبی هیاهو می خواهد. باید پایش سینه بزنند. هر مکتبی تا پایش سینه زن نباشد، تا پایش گریه نباشد، تا پایش توی سر و سینه زدن نباشد،

حفظ نمی شود.اینها اشتباه می کنند. بچه اند اینها نمی دانند که نقش روحانیت و نقش اهل منبر در اسلام چه هست. این نقش یک نقشی است که اسلام را همیشه نگه داشته، این گریه ها زنده نگه داشته مکتب سیدالشهدا را، این ذکر مصیبتها نگه داشته مکتب سیدالشهدا را.ما باید برای یک شهیدی که از دستمان می رود، علم به پا کنیم، نوحه خوانی کنیم، گریه کنیم، فریاد کنیم، دیگران می کنند، دیگران فریاد می زنند. فرض کنید وقتی یکی از آنها کشته شود، فرض کنید از یک حزبی یکی کشته بشود، میتینگها می دهند، فریادها می کنند، این عزاداریها یک میتینگی است برای احیای مکتب سیدالشهدا، و اینها ملتفت نیستند، توجه به مسائل ندارند. همین گریه ها این مکتب را تا اینجا نگه داشته، همینهاست که این نهضت را پیش برده. اگر سیدالشهدا نبود، نهضت هم پیش نمی برد! سیدالشهدا همه جا هست: «کل ارض کربلا». همه جا محضر سید الشهداست. همه منبرها محضر سیدالشهداست.همه محرابها از سیدالشهداست.اگر سیدالشهدا نبود، یزید و پدرش و اعقابشان اسلام را منسی کرده بودند. اگر نسیان شده بود، یک رژیم طاغوتی در خارج منعکس شده بود. معاویه و یزید داشتند یک رژیم طاغوتی را معرفی می کردند. اگر سیدالشهدا نبود اینها این رژیم طاغوتی را تقویت می کردند، و به جاهلیت برمی گرداندند. اگر حالا من و تو هم مسلم بودیم، مسلم طاغوتی بودیم، نه مسلم امام حسین!امام حسین اسلام را نجات داد. ما برای آدمی که اسلام را نجات داده و رفته کشته شده، هی سکوت کنیم؟ ما هر روز باید گریه کنیم. ما هر روز باید برای حفظ این مکتب منبر برویم.ممکن است بعضی از آنها سوء نیت داشته باشند.

بعضیها هم روی نقشه کار می کنند. همان طوری که زمان رضا خان بود. منتها او قدری نفهمی کرد، و بعدها روی فهمیدگی، جلو همه منبرها را گرفت. نگذاشت کسی منبر برود. محرابها را هم یک جور دیگری گرفت. در همه قم یک مجلس روضه ای نداشتند. آن وقتها می گفتند یک مجلس آقای صدوقی [۲] در شب داشت که قبل از اذان یا قبل از آفتاب تمام می شد.نه این است که من باب اتفاق رضا خان آمد منبرها را نگذاشت و محرابها را جلویش (را) گرفت و روحانیون را متحد الشکل کرد. نخیر، این مسئله نقشه بود. نقشه هم این بود که این قوه را بکوبند و این قدرت را از دست ما بگیرند.این قشرهای سیاسی نمی دانند که این منبر و محراب چه خدمتی به این کشور کرده است. اینها اگر ملتی هستند - ما کار نداریم که آیا به خدا هم کار دارند یا نه - اگر ملی هستند، اگر می گویند کشورشان و ملت را می خواهند، باید دامن بزنند به این روضه خوانیها، برای اینکه این روضه خوانیها ای ملت را حفظ کرده، این روضه خوانیها و مصیبت (خوانی) و گریه است که کشور شما را حفظ کرده (است).بله، اگر یک مردمی هستند که روی همان نقشه ای که مطرح شده است، باید قدرت اسلام و روحانی و خطیب گرفته بشود تا راه باز بشود برای آنهایی که باید استفاده کنند، و استفاده هم کردند، آنها مردم دیگری هستند که با آنها نمی توانیم حرف بزنیم. اما سایر مردم؛ اینهایی که به مسجد می آیند، منبر را گوش می کنند، مطالب را گوش می کنند، همچو که به روضه می رسند، رد

می شوند می روند! این ارزیاب این است که ملتفت نیستند روضه چه هست. آن روضه است که این محراب، این منبر را حفظ کرده، اگر آن روضه نبود، این منبر هم نبود، این مطالب هم نبود. ما بایـد برای شـهیدمان گریه کنیم، فریاد کنیم، مردم را بیدار کنیم.البته یـک مطلبی هم که بین همه مـا بایـد باشـد، این است که به مردم بفهمـانیم که همه اش این نیست که ما می خواهیم ثواب ببریم. قضـیه این است که ما می خواهیم پیشـرفت کنیم. سیدالشـهدا هم که کشـته شـد، نه اینکه رفتنـد یک ثوابی ببرند. ثواب برای او خیلی مطرح نبود، رفت که مکتب را نجات بدهد. اسـلام را پیشرفت بدهد. اسلام را زنده کند. شما هم که دارید نوحه خوانی می کنید، حرف می زنید، خطبه می خوانید، نوحه می خوانید، مردم را به گریه وادار می کنید، مردم هم گریه می کننـد، همه روی این مقصـد باشـد که می خواهیم اسـلام را بـا همین هیـاهو حفظ کنیم. با این هیاهو، با این گریه، با این نوحه خوانی، با این شـعر خوانی، با این نثر خوانی می خواهیم این مکتب را حفظ کنیم، چنانچه تا حالا هم حفظ شـده است.باید این نکته هم به مردم گفته شـود و تـذکر داده بشـود که آقـا، قضـیه روضه خـوانی این نیست که من یـک چیزی بگویم و یکی هم گریه کنـد. قضـیه این است - که وقـایع کربلاـ - با گریه حفظ شـده است، حتی تباکی [۳] هم ثواب دارد. خوب، تبـاکی چرا ثواب دارد؟ برای اینکه تباکی کمک می کنـد به این مکتب.سـخن اینها اشـتباه است. اینها یک طرف قضـیه را می بینند و یک طرف دیگر را هم نمی بینند، و

مع الاسف ما همیشه، یعنی اسلام همیشه مبتلا بوده به این یک طرف دیدنها!این که روایت است که اسلام غریب است، از اول غریب بوده، و الآن هم غریب است. [۴] برای اینکه آن را نمی شناسند، و هیچوقت هم آنطور که باید شناخته نشده است...». [۵].

تداوم فرهنگ عاشورا توسط امام فقید

در سالهای پس از بازگشت امام به وطن، چه مدتی که در قم بودند، و چه سالهایی که تا پایان زندگانی در تهران و حسینیه جماران به سر می بردند، همه در تلویزیون می دیدند که امام فقید پس از شهادت آیت الله شهید مطهری، یا فاجعه حزب جمهوری و شهادت هفتاد و سه چهار تن، آیت الله شهید بهشتی و سایر علما و رجال محبوب و دکتر محمد جواد باهنر نخست وزیر روحانی و مورد احترام امام، و هنگامی که رزمندگان به حضورشان می رسیدند و مواردی دیگر، هر گاه امام سخن می گفت، و از آن حوادث دردناک یاد می کرد و صدای ناله و گریه و زاری حاضران بلند می شد، حتی یک بار هم دیده نشد که امام خم به ابرو بیاورند، فقط آثار تأسف و تأثر در چهره شان پیدا بود، ولی همین که در ایام سوگواری عاشورا آقای کوثری ذاکر اهل بیت از شهدای کربلا- نام می برد، امام دستمال سفید را از صورت برمی داشتند، به خوبی معلوم بود که چقدر گریسته اند. هنوز هم وقتی مردم آن صحنه ها را در تلویزیون می بینند، منقلب می شوند و بی اختیار می گریند، و این حالت خاص امام فقید در شناخت فرهنگ عاشورا بخوبی در نظرها مجسم می شود.همانطور که گفتیم، مبدأ انقلاب اسلامی توسط امام خمینی، سخنرانی ایشان در روز عاشورا در مدرسه فیضیه قم، و ملتهای

آن نیز یاد کربلا و فرهنگ عاشورا بود. ملت ایران و جهانیان دیـده اند، و هم اکنون در فیلمهای ایام جنگ هشت ساله تحمیلی می بیننـد که مهیج ترین پیشـبند رزمندگان اسـلام در جبهه های حق بر ضد باطل، «یا حسـین شـهید» و مشـهورترین شـعار آنها سخن سیدالشـهدا در روز عاشورا بود که می گفت: «هیهات منا الـذله»، و انقلابی ترین نوایی که سر می دادنـد هم، «برای فتح کربلا، پیش به سوی جبهه ها» بود.من عقیـده دارم و شایـد عقیـده همه باشد که اگر یاد امام حسـین و کربلا و فرهنگ عاشورا نبود که امام فقیـد در تمام مراحل انقلاب به آن توجه داشـتند و همه را به حفظ آن توصـیه می فرمودند، انقلاب اسـلامی ملت ایران به ثمر نمی رسـید، و جنگ تحمیلی ابر قـدرتها به میانداری رژیم بعث عراق بر ضد ایران اسـلامی، بدان گونه پایان نمی یافت که یک وجب از خاک ما به دست دشمن نیفتد، آن هم با فقدان همه گونه امکانات و محاصره همه جانبه ما توسط دول استکباری.

قبساتی از پیامها و بیانات امام خمینی، احیاگر فرهنگ عاشورا در رابطه با حفظ این فرهنگ که در تداوم نهضت اسلامی ملت ایران نقش اساسی داشته است

برای اینکه بـدانیم امام خمینی – قدس سـره – در تمام مراحل نهضت، فرهنگ عاشورا را مد نظر داشـته و آن را ضامن نهضـت اسـلامی و تداوم آن می دانسته اند، قبساتی از پیامها و بیانات آن حضرت – قدس سره – در مقاطع مختلف زمانی را در این جا می آوریم، و توجه خوانندگان را به آن معطوف می داریم، تا شاهدی گویا برای منظور ما در این نوشتار کوتاه باشد، که «امام خمینی احیاگر فرهنگ عاشورا» است.امام خمینی – قـدس سـره – در پیام رسـمی و کتبی خود که از فرانسه در تاریـخ ۲ / ۱۱ / ۱۳۵۷ به ملت ایران در

رابطه با کشتار وحشیانه رژیم شاه در ماه محرم آن سال داده اند، از جمله می نویسند:

محرم، ماه نهضت بزرگ سید شهیدان و سرور اولیای خدا

«... سلام و درود بر ملت هوشمند ایران که با همه اختناق و فشار، از اسلام عدل پرور و مظلومان و مقتولان در راه دیانت دفاع نمودند. رحمت خدا بر مقتولین پانزده خرداد، دوازدهم محرم، و نوزده دی، بیست و نهم محرم امسال. محرم چه ماه مصیبت زا، و چه ماه سازنده و کوبنده ای است!محرم ماه نهضت بزرگ سید شهیدان و سرور اولیای خداست که با قیام خود در مقابل طاغوت تعلیم سازندگی و کوبندگی به بشر داد، و راه فنای ظالم و شکستن ستمکار را به فدایی دادن و فدایی شدن دانست، و این خود سرلوحه تعلیمات اسلام است برای ملتها تا آخر دهر.نهضت دوازده محرم و پانزده خرداد در مقابل کاخ ظلم شاه و اجانب به پیروی از نهضت مقدس حسینی چنان سازنده و کوبنده بود که مردانی مجاهد و فداکار به جامعه داد که با تحرک و فداکاری روزگار را بر ستمکاران و خائنان سیاه نمودند...». [۶] .

چرا امام حسین قیام کرد؟

«... حجت ما در نزاع با دستگاه جبار پهلوی، مبارزات حضرت امیر (ع) و حضرت سیدالشهداست. یزید هم یک سلطان و یک قدرتمند بود. یزید هم بساط سلطنت را داشت. بعد از معاویه او بود. حضرت سیدالشهدا به چه جهت با سلطان عصرش طرف شد؟ با «ظل الله» طرف شد، که نباید سلطان را دست زد؟ سلطان عصری که شهادتین را سرمی داد و می گفت. من خلیفه پیغمبر هستم، برای این بود که یزید یک آدم قاچاق بود. برای اینکه آدمی بود که می خواست ملت اسلام را استثمار کند، و منافع ملت اسلام را خودش و اتباعش بخورد...» [۷] .

محرم، ماه پیروزی خون بر شمشیر

بسم الله الرحمن الرحیم«با حلول ماه محرم، ماه حماسه و شجاعت و فداکاری آغاز شد؛ ماهی که خون بر شمشیر پیروز شد؛ ماهی که قدرت حق، باطل را تا ابد محکوم و داغ باطله بر جبهه ستمکاران و حکومتهای شیطانی زده؛ ماهی که به نسلها در طول تاریخ، راه پیروزی بر سر نیزه را آموخت؛ ماهی که شکست ابرقدرتها را در مقابل کلمه حق به ثبت رساند؛ ماهی که امام مسلمین راه مبارزه با ستمکاران تاریخ را به ما آموخت، ماهی که باید مشت گره کرده ی آزادیخواهان و استقلال طلبان و حقگویان بر تانکها و مسلسلها و جنود ابلیس غلبه کند و کلمه حق، باطل را محو نماید. امام مسلمین به ما آموخت که در حالی که ستمگر زمان بر مسلمین حکومت جابرانه می کند، در مقابل او - اگر چه قوای شما ناهماهنگ باشد - به پا خیزید و استنکار کنید. اگر کیان اسلام را در خطر دیدید، فداکاری کنید و خون نثار نمایید...» [۸] .

لزوم ایستادن در برابر سلطان جائر

«... بار دیگر دست جنایتکار شاه از آستین خیانتکار دولت یاغی نظامی بیرون آمد و ملت ایران را در آستانه ماه محرم؛ ماه مقابله اسلام و حق و عدالت با جنود شیطان و طاغوت به خاک و خون کشید... اکنون دشمنان اسلام و ایران و هواداران رژیم یزیدی، در مقابل هواداران قرآن و اسلام و مخالفان سر سخت رژیم طاغوتی ابوسفیانی، صف بندی نموده و می خواهند شعار

اسلامی و حسینی را که برای احیای اسلام و به دست آوردن آزادی و استقلال و برقراری حکومت قرآن به جای سلطه شیطان و حکومت قانون عدل در مقابیل حکومت جنگل است...

این ملت، شیعه ی بزرگترین مرد تاریخ است که با تنی چند، نهضت عظیم عاشورا را برپا نمود و سلسله اموی را برای ابد در گورستان تاریخ دفن نمود و به خواست خدای تعالی، ملت عزیز و پیرو خط امام - علیه السلام - با خون خود، سلسله ابلیسی پهلوی را در قبرستان تاریخ دفن می نماید و پرچم اسلام را در پهنه ی کشور، بلکه کشورها به اهتزاز در می آورد». [۹] .

در برابر سلطان جائر باید ایستاد

«... از حضرت سید الشهدا - سلام الله علیه - خطبه ای نقل شده است که در آن خطبه علت قیام خودشان را بر ضد حکومت وقت (یزید بن معاویه) ذکر فرموده اند: و آن این است که فرموده اند خطاب به مردم که پیغمبر اکرم فرموده است که: «کسی که ببیند سلطان جائری حلال می شمرد حرمات الله را، چیزهایی را که خداوند حرام کرده است، این آزاد می گذارد، و مخالف سنت رسول الله عمل می کند، و عهد خدا را می شکند، اگر کسی دید که یک سلطان جائری این کارها را می کند و مع ذلک ساکت شد و با قول خودش، با عمل خودش،، این انحرافی را که سلطان جائر پیدا کرده است تغییر نداد، خدای تبارک و تعالی حتم کرده است بر خود که او را هم در آخرت در جای همان سلطان جائر قرار بدهد. ولو این آدم که این چیزها را می بیند و ساکت است، همه کارهای واجب و مستحب (را) هم به جا بیاورد، آدمی باشد که سر وقت نماز می خواند، به مساجد می رود، آدمی باشد که احکام خدا را ترویج می کند، موافق رضای خدا عمل می کند، همه کارهای خوب را (عمل) می کند، از همه

کارهای بد هم اجتناب می کند، لکن ساکت است در مقابل سلطان جائر، بر حسب این روایتی که از حضرت سیدالشهدا- سلام الله علیه - نقل شده است [۱۰] که به منزله علت قیام ایشان است بر ضد حکومت وقت، این است که می خواهند عمل به قول رسول الله بکنند، و کسی که تخلف بکند، جای او جای همان سلطان جائر است. یعنی در طبقه ای از جهنم که سلطان جائر قرار دارد، این آدم هم که ساکت است، و می خواهد که سلطان جائر هر کاری می خواهد بکند، جایش در جای همان سلطان است...حلا ببینیم یزید چه کرده است که حضرت سیدالشهدا - سلام الله علیه - در مقابلش قیام کرد، و همچو مطلبی را فرموده اند، و برنامه داده اند. مطلبی که حضرت سیدالشهدا فرموده اند مال همه است، مطلبی است عمومی. هر کس ببیند یک سلطان جائری اتصاف به این امور دارد و در مقابلش ساکت بنشیند، نه حرف بزند و نه عملی انجام بدهد، این آدم جایش جای همان سلطان جائر است. یزید یک آدمی بود که به حسب ظاهر تشبث به اسلام بود، و خودش را خلیفه حساب می کرد و نماز هم می خواند، همه این کارها را که ما می کنیم او هم می کرد، اما از آن طرف معصیت کار بود، با سنت رسول الله مخالفت می کرد. سنت رسول الله این بود که باید حفظ دماء مسلمین بشود، او دماء مسلمین را می ریخت.باید مال مسلمین هدر نرود، او مال مسلمین را هدر می داد. همان شیوه ای که پدرش معاویه هم داشت، و امیرالمؤمنین در مقابل او قیام کرد منتهی امیرالمؤمنین لشکر هم داشت، ولی سیدالشهدا عدد خیلی کمی

در مقابل یک ابرقدرت بود.ما می بینیم که این کارها که او (یزید) کرده است، با این حکام وقت ما، و سلطان وقت ما تطبیق می شود. این مسائلی است که رسول الله فرموده است، اینها تطبیق می شود بر این سلطان (محمد رضا پهلوی)، زیرا سلطان جائر است. این معلوم است که الان سلطه دارد. «سلطان» یعنی سلطه دارد. الان (محمد رضا) سلطه دارد و جائر هم هست. خودش هم شاید قبول داشته باشد که جائر است. همه کس هم می داند که این آدم جائر است.خوب، مخالفت سنت رسول الله را نکرده؟ هر چه رسول الله فرموده است، ایشان عمل کرده؟ بله، در ایام عمرش برای اینکه من و شما را بازی بدهد، یک دفعه هم می رود به حرم حضرت رضا (ع)، و آن جا یک دو رکعت نماز می خواند، و حرفهایی هم آنجا می زند.این چیزها برای اغفال من و شماست...» [۱۱] .

فرا رسیدن اربعین حسینی

بسم الله الرحمن الرحیم اربعین سید مظلومان و سرور شهیدان - صلوات الله و سلامه علیه - رسید، و بر ملت رشید و آگاه ما اربعین های سودمندی گذشت. ما در این سالها به دنبال بیش از پنجاه سال سلطنت غاصبانه سلسله پهلوی با چه مصیبتهایی و بی فرهنگیهای خانمانسوزی مواجه بوده ایم...امسال اربعین امام امت در خلال اربعین های پیروان و شیعیان آن بزرگمرد اسلام واقع شده، و گویی خون شهیدان ما امتداد خون پاک شهیدان کربلاست، و اربعین اخیر برادران ما، بازتاب اربعین آن دلاوران می باشند. خون طاهر آنان به حکومت طاغوتی یزید خاتمه داد، و خون پاک اینان سلطنت طاغوتی را به هم پیچید. اربعین امسال استثنایی و نمونه است. راهپیمایی و تظاهرات پرشور در

این اربعین، وظیفه شرعی و ملی است...» [۱۲] .

عشق به شهادت

«... وقتی که ما برای اسلام و برای احیای سنت پیغمبر و اقامه عدل به پا خاستیم، نباید از این بترسیم که اولادمان شهید می شوند، خودمان شهید می شویم. این یک سیره ای بوده است که از اول در اسلام بوده است. از اول اسلام پیغمبر خدا و ائمه ما فداکاری کردند، و شهادت نصیبشان شد. حضرت علی بن الحسین (علی اکبر) به پدر بزرگوارشان عرض می کند که (مگر) ما بحق نیستیم؟! می فرماید چرا، ما بحقیم. می فرماید، پس از مردن نمی ترسیم (اذا لا ـ نبالی بالموت). کسی باید از مردن بترسد که خیال کند بعد از مردن خبری نیست، همه اش همین زندگانی حیوانی است... زندگی انسانی در یک عالم دیگری است؛ بالا ـ تر از اینجاست. این دیگر ترسی ندارد، خوفی ندارد. انسان از این محل به محل دیگری منتقل می شود که بهتر از اینجاست.بنابراین، این معنایی که در صدر اسلام هم بوده است که اصحاب پیغمبر از شهادت استقبال می کردند، و برای شهادت از هم پیشی می گرفتند، اصحاب سیدالشهدا برای شهادت استقبال می کردند و از هم پیشی می گرفتند، روی همین ایمان راسخ بوده است.شهادت مطلبی نیست که انسان به کلی از بین برود، تا اینکه (تصور شود) دیگر غیر از این (عالم) خبری نباشد. شهادت از این عالم منتقل شدن به یک عالم بالاتر و نورانی تر است که همه چیزش از اینجا بهتر است...» [۱۳] .

کشته شدن سیدالشهداء لله بود، و قیام لله شکست ندارد

«... حضرت امیر – سلام الله علیه – با معاویه جنگ کردند و شکست خوردند، و لکن شکست نبود. این شکست صوری شکست حقیقی نبود. چون قیام لله بود، قیام لله شکست ندارد، تا امروز هم او غالب است، تا ابد هم او غالب

است.سیدالشهدا – سلام الله علیه – با چند نفر از اصحاب، چند نفر از ارحامشان، از مخدراتشان قیام کردند، چون قیام لله بود، اساس سلنت آن خبیث (یزید) را در هم شکستند. در صورت – ظاهر – ایشان کشته شدند، لکن اساس سلطنت را شکستند. اساس سلطنتی که می خواست اسلام را به صورت سلطنت طاغوتی در آورد. خطری که معاویه و یزید برای اسلام داشتند، این نبود که غصب خلافت کردند. این خطر کمتری بود. خطری که اینها داشتند این بود که می خواستند اسلام را به صورت سلطنت در آورند. می خواستند معنویت را به صورت طاغوت درآورند. می خواستند به اسم این که ما خلیفه رسول الله هستیم اسلام را منقلب کنند به یک رژیم طاغوتی، این مهم بود. آنقدر که این دو نفر می خواستند ضرر به اسلام بزنند، یا زدند، جلوتری ها نزدند. اینها می خواستند اساس اسلام را وارونه بکنند. سلطنت بود، در مجالسشان شرب خمر بود، قمار بود. خلیفه رسول الله و در مجلس شرب خمر؟ و در مجلس قمار! و باز خلیفه رسول الله، نماز هم با جماعت می خواند. این خطر برای اسلام خطری بزرگ بود. این خطر را سیدالشهدا دفع کرد. قضیه فقط قضیه غصب خلافت نبود. قیام سیدالشهدا – سلام الله علیه – قیام بر ضد سلطنت طاغوتی بود. سلطنت طاغوتی که اگر – یزید – توفیق پیدا می کرد، اسلام یک چیز دیگر می شد. اسلام می شد مثل رژیم ۲۵۰۰ ساله سلطنت... کشته شدن سیدالشهدا – سلام الله علیه – چون قیام لله بود، قیام لله شکست ندارد...خدا می فرماید، من فقط یک موعظه دارم: «قل انما اعظکم بواحده، ان تقوموا!... وقتی دیدید دین

خـدا در خطر است، برای خدا قیام کنید. امیرالمومنین می دید که دین خدا در خطر است، معاویه دارد دین خدا را وارانه جلوه می کنـد، برای خـدا قیـام کرد. سیدالشـهدا هم همینطور قیام کرد.این یک مطلبی است که برای یک وقت نیست. موعظه خـدا همیشگی است. هر وقت دیدید که خواستند بر ضد اسلام، بر ضد رژیم انسانی، اسلامی الهی قیام کنند، خواستند مسائل اسلام را وارونه کننـد، به اسم اسـلام، اسـلام را بکوبنـد، اینجا باید قیام کرد، و نترسـید از اینکه شاید نتوانیم، شاید شـکست بخوریم» [۱۴] .

پانزدهم خرداد یکهزار و سیصد و چهل و دو

«...پـانزده خرداد از همیـن مـدرسه - فیضـیه - شـروع شـد. عصـر عـاشورا در همیـن مـدرسه اجتمـاع عظیـم بـود، و بعـد از این صحبتهایی و افشاگریهایی شد، دنباله آن منتهی به پانزده خرداد شد...» [۱۵] .

شکست ظاهری و شهادت اهل حق به نفع اسلام است

بسم الله الرحمن الرحیم من بایـد با آقایان روحانی و پاسـدارهای محترم و سایر آقایان محترم که تشـریف دارنـد، خطرهایی که حالا۔ متوجه ماست، و اشـکالاتی که در حال حاضـر داریم، و موضـعی که ما در این وقت داریم فی الجمله عرض کنم. من در مجامع دیگر هم مطلب را چون اهمیت دارد گفته ام، باز هم تکرار می کنم...شـهادت سیدالشـهدا به اسـلام هیچ لطمه ای وارد نیاورد، اسـلام را جلو برد. اگر نبود شهادت ایشان، معاویه و پسرش اسلام را یک جور دیگری در دنیا جلوه داده بودند، به اسم خلیفه رسول الله، با رفتن به مسـجد، اقامه جمعه و امام جمعه بودن، اقامه جماعت و امام جماعت بودن.اسم، اسم خلافت رسول الله و حکومت، حکومت اسـلام بود، لکن محتوا برخلاف. نه حکومت بر حسب محتوا حکومت اسلامی بود و نه حـاکم، حـاکم اسـلامی. سیدالشـهدا - سـلام الله علیه - نقشـی را که اینها داشـتند برای برگرداندن اسـلام به جاهلیت و نمایش دادن اسـلام به اینکه نظیر همان چیزهای سابق است، آن را باطل کرد... سیدالشهدا خودش را برای اسلام به کشتن داد، همان اسلامی که حالا به دست ما افتاده، و مع الاسف بعضی از ما با آن بازی می کنند...» [۱۶] .

پاورقی

[۱] شـهید مطهری مقید بود که شب عاشورا روضه حضـرت علی اصـغر طفل ششماهه امام حسین (ع) را بخواند، و خود هم در اثنـای ذکر مصـیبت می گریست. نوار آن را اغلب سالها در شب یا روز عاشورا، رادیو تهران پخش می کنـد و بسـیاری شـنیده اند.

[۲] شهید محراب، آیت الله حاج شیخ محمد صدوقی یزدی.

[۳] حالت گریه داشتن.

[۴] روایت این است: «بدء الاسلام غریبا و سیعود

غریبا کما بدء» یعنی، اسلام با غربت آشنا شد و عنقریب هم غریب خواهد ماند، همانطور که در آغاز بود.

[۵] بیانات امام خمینی در جمع وعاظ و روحانیون تهران در قم به تاریخ ۱۷ / ۴ / ۱۳۵۸، صحیفه نور، ج ۸، ص ۶۵.

[۶] از پیام امام فقید به ملت ایران در ۲ / ۱۱ / ۱۳۵۷، صحیفه نور، ج ۲، ص ۱۱.

[۷] از بیانات امام خمینی در فرانسه در مورد تبلیغات اجانب علیه السلام و روحانیت در تاریخ ۱۴ / ۸ / ۱۳۵۷، صحیفه نور، ج ۳، ص ۸.

[۸] سرآغاز پیام امام فقید از پاریس به ملت شجاع ایران به مناسبت فرارسیدن ماه محرم در تاریخ ۱۱ / ۹ / ۱۳۵۷، صحیفه نور، ج ۳، ص ۲۲۵.

[۹] از پیام امام خمینی به ملت ایران به مناسبت کشتار وحشیانه ی رژیم در آستانه ی ماه محرم در تاریخ ۱۱ / ۹ / ۱۳۵۷، صحیفه ی نور ج ۱۴، ص ۹.

[۱۰] من رأی سلطانا جائرا مستحلا لحرم الله، ناکثا لعهد الله، مخالفا لسنه رسول الله صلی الله علیه و آله، کان حقا علی الله ان یدخله مدخله. یعنی هر کس ببیند سلطانی را که محرمات خدا را حلال می شمارد، و پیمان خدا را می شکند، و برخلاف سنت رسول خدا عمل می کند، و در میان بندگان خدا با گناه و ظلم رفتار می نماید، و او با گفتار و کردارش بازندارد، بر خداست که او را هم با آن سلطان جائر وارد جهنم کند.

[۱۱] از پیام امام فقید از پاریس در مورد تکلیف شرعی مسلمین در برابر سلاطین جائر از دید پیشوایان معصوم در تاریخ ۱۸ / ۹ / ۱۳۵۷،

صحیفه ی نور، ج ۴،ص ۴۱.

[۱۲] از پیام امام خمینی از پاریس به ملت مسلمان ایران به مناسبت فرارسیدن اربعین حسینی در تاریخ ۲۶ / ۱۰ / ۱۳۵۷، صحیفه نور، ج ۴، ص ۲۳۵.

[۱۳] از بیانات امام فقید در جمع پاسداران انقلاب اسلامی قم، در تاریخ ۲۳ / ۲ / ۱۳۵۸، صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۵۵.

[۱۴] از بیانات امام فقید در جمع هیئت قائمیه تهران، در تاریخ ۱۰ / ۳ / ۱۳۵۸، صحیفه نور، ج ۷، ص ۳۶.

[۱۵] از بیانات امام خمینی در ۱۵ خرداد ۱۳۵۸ در مدرسه فیضیه قم.

[۱۶] از بیانات امام خمینی در جمع روحانیون و پاسداران انقلاب اسلامی ارومیه، در قم به تاریخ ۱۵ / ۴ / ۱۳۵۸، صحیفه نور، ج ۸، ص ۴۴.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹